



۲۰۱۴/۹/۲۲

م، نعيم بارز

توافق و تفاهم هر چه باشد بهتر از جنگ است!

«اگر قطعه قطعه شوم حکومت تقلبی را نخواهم پذیرفت». این جمله ای است که چندی قبل پس از آن که معلوم شد در دور دوم انتخابات داکتر اشرف غنی احمد زی رأی بیشتر مردم را از آن خود نموده است، داکتر عبدالله عبدالله کمیسیون مستقل انتخابات را محکوم به تقلب کاری کرده، روند انتخابات را تحریم نموده به داخل خیمه لویه جرگه رفته در مقابل هوادارانش با قهر و غضب به تکرار بیان داشت که تیمش هم در دور اول و هم در دور دوم برنده انتخابات بوده و لذا تا زمانیکه به حقش نرسد هیچ نوع فیصله ای را از هر سو که باشد نمی پذیرد، «حتی اگر قطعه قطعه شوم».

از آن روز به بعد همه مردم هر لحظه خود را از سوی داکتر عبدالله و حامیانش در میان جنگ و خونریزی می دیدند که در اثر این ترس و هراس تقریباً مسایل اقتصادی و کار و بار در کشور به حالت نیمه فلج در آمد و گفته می شود که پنج میلیارد دالر خساره به سکتور دولتی و بخش خصوصی وارد گردیده و شش میلیارد دالر پول های شخصی از داخل به خارج انتقال یافته و حتی از لحاظ روحی و روانی بعضی تاجران و فعالین بخش های دیگر راه ترک کشور را در پیش گرفتند.

پس از گذشت روزها و ماه ها در مجموع از آغاز تا انجام کار انتخابات که یک سال را در برگرفت در شش ماه اخیر دو تیم وقت را در چانه زنی گذراندند و تحقیر و توهین فراوانی تثار همدیگر نمودند و هر کدام دیگری را محکوم به تقلب کاری در امر انتخابات نمود.

بالاخره به روز یکشنبه ۲۰۱۴/۹/۲۰ رسانه های داخلی و خارجی اعلام داشتند که بر اساس یک توافق نامه، داکتر اشرف غنی احمد زی به حیث رئیس جمهور دولت افغانستان و داکتر عبدالله عبدالله به حیث رئیس اجرائی دولت با هم به فیصله و تفاهم رسیدند.

اما وقتی افغان های محترم چیز فهم و منتقد از داخل و خارج «توافقتنامه ساختار حکومت وحدت ملی بین دو تیم انتخابی» را رد نمودند متأسفانه چیزی به صورت استدلال و ارزیابی از اوضاع فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کشور ارائه نداشتند و حتی حضور مسلط دولت ایالات متحده آمریکا را نادیده گرفتند. از توقعات و آرزو های خود سخن گفتند و آنچه بروی قانون اساسی می خوانند آنهم قانونی که تحت نفوذ نخبگان مذهبی سنتی کشور و قانون دان های غربی شکل گرفته که هم اثری از دنیای صنعت کلالی و هم اثری از فرهنگ به اصطلاح پست مدرن امروز دنیای غربی را در خود دارد. با این تناقض انتظار دارند که همه چیز بر وفق مراد شان تطبیق شده و نتیجه دلخواه را در پی داشته باشد.

ایجاب می کند که یک اندازه تفاوت و خصوصیات جامعه خود را با جوامع غربی بدانیم یعنی زمینه پیدایش تاریخی فرهنگ غربی را که از دل آن دیموکراسی و نهاد های دیگری بوجود آمده اند در نظر بگیریم، چون تا زمانیکه چنان جریان های سیاسی از جوشش فرهنگی درون کشور بوجود نیامده باید بپذیریم که کلیت فکری فرهنگی ما سنتی مذهبی بوده که چندان با دیموکراسی و دیگر فرآورده های دنیای غربی سر سازگاری ندارد، باید با مدارا ابراز نظر و رفتار صورت گیرد و الا اگر کسانی ناشیانه بخواهند چون شاه امان الله خان و حزب «دیموکراتیک خلق افغانستان» به فرمان و به زور سیاست ها و نیت خیر خواهانه ذهنی شان را تطبیق نمایند، بلا تردید باید در انتظار همان نتایج منفی باشند که در دوران آنها روی داد.

تجربه انتخابات ریاست جمهوری که شش هفت میلیون انسان چه در اثر تطمیع و چه با انگیزه قومی، مذهبی و محلی به پای صندوق های رأی دهی رفتند و ظاهراً نقش خود را در نظام دیموکراسی بازی کردند اما به گونه صوری پای صندوق ها رفتند و ورقه های را بنام این و آن به صندوق ها انداختند، و شاید به این فکر که ادای وظیفه نموده اند، اما به زعم من این اجرای وظیفه از حق خود و دیگران نیست زیرا اگر انسان از ابتدای ترین حق خود آگاهی نداشته باشد و برای تحقق حق خود و دیگران پیگیر مبارزه نکند، میلیون ها رأی ارزش یک رأی آگاهانه را هم ندارد. چنانکه دیدیم دستکم پنج - شش میلیون انسان رأی شان را برای این و آن دادند اما قدرت طلبان به رأی مردم ارزش و اهمیت قابل نشدند. هر دو طرف به شمول نهاد مسؤول انتخابات دست به تقلب زدند، دخالت ها و دست درازی های حامیان خارجی در این بی مبالاتی و رسوایی هم بی تاثیر نبود، بخصوص پس از آنکه فرشته نجات! "جان کری" وزیر خارجه آمریکا به کابل آمد و نهادی را بنام «شورای اجرائی» خلاف روند گذشته از خود برجا گذاشت آنگاه اعتبار کمیسیون انتخابات کاملاً از بین رفت و بعد از آن چانه زنی و رسوایی بین دو تیم و کمیسیون مستقل انتخابات به اوج خود رسید و حتی مقامات امریکائی و نمایندگی سازمان ملل در امور انتخابات افغانستان به صراحت بار بار اعلام داشتند که قبل از به توافق سیاسی رسیدن دو تیم انتخاباتی نباید برنده و بازنده انتخابات اعلام گردد.

سر انجام که توافق سیاسی بین دو تیم حاصل شد، البته بد تر از سیزده سال قبل که در آن وقت هیچ نشانی از دولت در افغانستان باقی نمانده بود. کلاً با ترکیبی از جنگسالاران و جنایت گران زیر نام اداره مؤقت تشکیل یافت، گرچه آقای کرزی در مدت

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزي بني پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

سیزده سال با نهایت مهارت بدون آنکه درگیری بین افراد و گروه های مخالف و متخاصم در داخل دولت رخ دهد یک تعداد تکنوکرات هایی را از داخل و خارج وارد دولت نمود و بعضی عناصر بسیار شریر را از حکومت برکنار کرد. ولی اکنون که با تجویز جدید "جان کری" رسماً دولتی در دولت رقم یافته، دیده شود که تا بر گذاری لویه جرگه چگونه این تجویز به خود شکل خواهد گرفت و عملاً چگونه اجراات به عمل خواهد آمد؟

باید پرسید اگر خوب شده است یا بد چاره چیست؟ به زعم من تا هنوز آن آگاهی و قدرتی در کشور بوجود نیامده که بتواند برای چنین پریشانی راه عملی دیگر و بهتری را نشان دهد. هرگاه هر حادثه ای هر قدر هم مهم در کشور رخ داده خود بخود ما را بیدار نکرده و بجایی نرسانده که بهتر از امروز همه به طور نسبی راضی و قانع شده باشیم.

پس باید گفت تا زمانیکه به اصطلاح روشنفکران ما و جامعه ما تغییر کیفی فرهنگی و سیاسی نکرده، شاید هیچ نسخه ای به حال مردم و کشور جنگ زده و عقب مانده ما درمان بخش واقع نخواهد شد و از اینجاست که من «توافقتنامه ساختار حکومت وحدت ملی بین دو تیم انتخابی را بهتر از آغاز یک شورش و جنگ می دانم.

البته اکنون که این دو دستگی یا دولتی در دولت رسماً آغاز به شکل گیری می نماید، بلا تردید دعوی و مناقشه بر سر تعیین و تقسیم کرسی ها و اجراات اجتناب ناپذیر خواهد بود و به زودی زمانیکه تعیین پست های کابینه مطرح شود، خواهیم دید که بین دو طرف چگونه مخالفت و جار و جنجال روی خواهد داد؟ اما به رغم همه اختلاف یا تضاد منافع شخصی و گروهی موافقتنامه ای که بین دو تیم صورت گرفته و بسیار تشنج افزا هم است ولی دو عامل امید وار کننده ای نیز وجود دارد که از منجر شدن اختلافات به جنگ و بحران مانع خواهد شد:

۱ - صاحبان اصلی قدرت که در هر دو جناح در مدت سیزده سال از هیچ به همه چیز و ملکیت ها و ثروت های سرشار رسیده اند حتی اگر اندک عقلی داشته باشند به خود اجازه نخواهند داد تا اختلافات شان را در حد یک جنگ و بحران کشیده و هستی و امتیازات خود و دیگران را در خطر نابودی قرار دهند.

۲ - قدرت های خارجی و در رأس دولت ایالات متحده امریکا نیز همانطوری که تا کنون به جناح داکتر عبدالله اجازه نداده است که راه اغتشاش و جنگ را در پیش گیرد بعد از این هم برای شان اجازه نخواهد داد که جنگی را به راه انداخته و زمینه را برای برگشت رژیم طالبان و دیگر تروریست های بین المللی در افغانستان مساعد نمایند.

در مبارزه قدرت بسیار طبیعی است که هر طرف تا آخرین امکان برای بدست آوردن امتیاز بیشتر از جانب مقابل تلاش نماید و چانه زند ولی نه تا آنجا در جنون قدرت طلبی غرق شود که مردم را به خاک و خون کشد. و داکتر عبدالله آنچه به تهدید گفته بود با امضای موافقتنامه خلاف آنرا ثابت ساخت یعنی از خود معقولیت نشان داد. جناح داکتر عبدالله در گذشته نیز بار ها نشان داده اند که در برابر چه کسانی با لحن تهدید و زور سخن گویند و در برابر کدام قدرتی کرنش نمایند، آنها به این آگاهی رسیده اند و آن طوری که تهدید آمیز سخن می گویند چنین و چنان می کنیم و اگر «قطعه قطعه شویم از حق خود نمی گذریم» اما دیدیم که تحت فشار امریکا و درک منافع خود در آخرین فرصت چگونه رام و راضی شدند.

بهر صورت اوضاع داخلی و بین المللی به هر دو طرف که باهم موافقتنامه ای را امضاء نموده اند می رساند که ناگزیر اند با تفاهم کار کنند.

اما عجیب اینست که بعضاً به اصطلاح مدعیان دفاع از دیموکراسی و منافع ملی، دوکتور اشرف غنی احمد زی را مورد انتقاد قرار داده و می گویند، چرا خلاف قانون اساسی و روش معمول در امر انتخابات توافق نامه را با داکتر عبدالله امضاء کرد و آنرا در قدرت باخود شریک ساخت؟

در جواب شان باید گفت شاید حامیان دیموکراسی تا هنوز در نیافته اند که تصمیم گیرنده اصلی در مسایل اساسی افغانستان کسانی چون داکتر اشرف غنی احمد زی ها و داکتر عبدالله ها نیستند، بلکه حرف آخر را قدرت اول جهان می زند، زیرا از یک سو رویداد کودتا ها، تجاوز نظامی خارجی و جنگ های داخلی و از سوی دیگر عقب ماندگی اقتصادی، فرهنگی تا هنوز در کشور ما احزاب و رزیده سیاسی که آموزشگاهی برای اداره دولت است تبارز نیافته و اگر اسماً از احزاب و گروه ها نام برده می شود، در واقعیت امر فقط یک تعداد افرادی تحت بعضی عناوین بر پایه منفعت شخصی و انگیزه های قومی تشکیل یافته اند و عملاً به غیر از جست و جوی منافع شخصی و فامیلی شان هیچگاه هیچ گروهی کدام تصمیم و اقدام عملی از خود نشان نداده که در آن خیر عمومی مطرح بوده باشد.

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپیکني د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ